

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل
۰۴ دسمبر ۲۰۲۱



زنده یاد داوود سرمد

اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۴۶)

خشک مغز

ای شیخ خشک مغز
ای بی خبر که در قفس تنگ ذهن تو
مرغ شکسته بال و پر اعتقاد
در دانه های وسوسه و اضطراب و بیم
منقار می زند
تا چند پرده های فریبده خیال
مانند سایه ها
در پیش چشم تو دیوار می زند
تا چند می پزی

در کارگاه مغزِ تب آلود خویشتن

پندار خام را

تا چند می کنی

بیهوده زمزمه

در کنج های معبدِ فرسوده کهن

در گوشِ سایه ها

پندار خام را

ای شیخ خشک مغز

ای بیخبر ز رازِ نهان در کلامِ نغز

من نیز همچو تو

یک عمر پیش پای خدا سجده کرده ام

با یک جهان خلوص و صفا سجده کرده ام

تا آنکه عاقبت

تاریک خانه های خیالم فروغ یافت

آن وعده های پوچ و فریبنده را همه

یکسر دروغ یافت

در گوشِ هوش من

افسانه بهشت و جهنم دگر مخوان

کهنه بساطِ شعبده بازی پوچ را

از پیش چشم من

جای دگر کشان

زیرا که من دگر

بی باورم به تسبیح به دستان خرقه پوش

بی باورم به کور تمیزان کند هوش

بی باورم به و هم

بی باورم به پوچ

بی باورم به هیچ

آن جوی های شیر

آن چشمه های شهد

در روضه بهشت

ارزانی تو باد

آن حور های مست

آن چلچراغ های فروزان زرنگار

آن میوه های خشک و تری را که چیده اند

در خوان و هم تو

مهمانی تو باد

اما هزار بار

افسوس من زدل

براین همه

یک بار چشم خویش

ای شیخ باز کن

تا نیک بنگری که اینجا جهنم است

در کوچه های غربت این شهر و مسکنت

کانون صد مرض

چندین هزار پیر و جوانش ز غم تباه

صد ها هزار کودک معصوم و بیگناه

در موجهای آتش و خون غوطه می زنند

در سنگلاخ رنج

آری!

اینجا جهنم است

باید که روز ها

باید که عمر ها

در کوره های سرخ تبیدن بسی گداخت

تا آنکه زین جهنم سوزان بهشت ساخت

تکرار می کنم

باید از این جهنم سوزان بهشت ساخت

«سرمد»

این شعر در کتاب سرود رزم پیام آواران چاپ نگردیده است